

خواستند و چگونه رسیدند؟

محمد تقی

www.ketab.ir

سرشناسه	: بهادری، محمدباقر، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: چه خواستند و چگونه رسیدند؟/مؤلف محمدباقر بهادری.
مشخصات نشر	تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۰ ص.
فروست	: انتشارات دانشگاه تبریز؛ ۶۱۱
شابک	: ۹۶-۳-۵۱۹۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا.
موضوع	: مشاهیر -- داستان
موضوع	: مجتهدان و علما - داستان
موضوع	: دانشمندان -- داستان
افزوده	: دانشگاه تبریز، انتشارات دانشگاه
رده‌بندی ننگره	: ۱۳۹۲ ج ۹ ۱۶۸/PIRV۹۶۳
رده‌بندی دی‌بی	: ۸۱۳/۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۳۰۶۰۶۲۵



انتشارات دانشگاه تبریز

چه خواستند و چگونه رسیدند

تألیف :	دکتر محمدباقر بهادری
ناشر و فروست:	انتشارات دانشگاه تبریز ۶۱۱
تاریخ و نوبت چاپ:	۱۳۹۲ - اول
شمارگان:	۵۰۰ نسخه
شابک:	۹۶-۳-۵۱۹۹-۶۰۰-۹۷۸
قیمت:	۸۰۰۰۰/ریال
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	انتشارات دانشگاه تبریز

(این اثر با هزینه شخصی و به سفارش مؤلف در چاپخانه دانشگاه تبریز به چاپ رسیده‌است و از مصوبات شورای پژوهشی دانشگاه نیست.)

کلیه حقوق اثر مزبور برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تبریز - بلوار ۲۹ بهمن - دانشگاه تبریز - تلفن: ۳۳۹۲۶۶۹ نمابر: ۳۳۴۲۵۶۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۹	فصل اول
۱۰	عریضه دانش
۵۷	فصل دوم
۵۸	ای و من
۸۲	انصاف‌ت در برابر فقر
۸۴	سختی فقر
۸۴	کارگر در حیرت تحصیل
۸۴	تلاش برای تأمین مخارج تحصیل
۸۵	کار به هنگام تحصیل
۸۷	فروش دوات از بدت گرسنگی
۸۸	داستانهای دیگر از تحمل ناداری
۸۸	سید رضی شیرازی فرمود
۸۹	فقر شدید دانشجو
۹۰	دانشمند نهیدست
۹۲	علاقه شدید به قلمتراش
۹۳	فشار فقر و نامه به خدا
۹۵	دانشمند مقروض
۹۶	نشستن در خرابه ها
۹۷	عهد بستن برای تحمل ناداری
۹۹	فقر مخترع
۱۰۲	آموزه سودمند
۱۰۷	عشق علم
۱۰۹	عطش صاحب کفایه به علم
۱۱۰	تشنه آموختن
۱۱۲	نمونه های دیگر
۱۱۹	ارزش وقت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۲۳	نمونه های عینی از مدیریت زمان
۱۳۴	رنج پذیری
۱۴۵	هزینه های ترقی
۱۵۷	مردمیت و رموز آن
۱۶۷	غلبه بر معلولیتها و بیماریها
۱۸۱	استقامت در برابر یتیمی
۱۹۳	صبر پذیری
۱۹۸	تایید نظم
۲۰۰	هدایت
۲۰۹	تنبلی
۲۱۷	نقش تشویق
۲۲۲	بلند همتی
۲۲۹	تلاش ورزی
۲۶۷	پایان آموختن
۲۷۳	خود کوتاهی
۲۸۱	اندیشیدن
۲۸۷	منابع

پیشگفتار

چه خواستن و چگونه رسیدن نشانگر رجاحت و رذالت آدمی است. آنکه خوب و خوب می خواهد و با اهداف و ابزار و مسیر درست می رسد با آنکه بد و بدی می خواهد از راههای نادرست می رسد یکسان نیست و آثار این دو هرگز هموزن و قابل مقایسه نخواهد بود. شأن آدمی ایجاب می کند که خواسته هایش معقول و مشروع باشد و به صلاح و سعادت خود و هموعانش بینجامد و آبادی دنیا و عقبایش را فراهم آورد. اندیزین آینه خواسته ها علم و فن است و راه توانستن و رسیدن بدانها تلاش و رنجبری و پایداری، علاقه مندی، احساس مسئولیت، هدفداری، دور اندیشی، اعتماد به نفس، تیری، بی، خواندن، پرسیدن، جستن، اندیشیدن مستمر و نظایر اینهاست. آنانکه پیوسته در این راهها می کوشند و هزینه های گوناگون می پردازند و از پای نمی نشینند و راجستن و کوش و پژوهش خسته نمی شوند از نافعترین انسانهایی هستند که آبادانی و پیشرفتای جهان مرهونشان است. اینها دنیا را می سازند هر چند که خود نابود شوند؛ آثار خودمند به جا می گذارند هر چند که خود به زیان افتند؛ زندگی می بخشند هر چند که خود در یک یاد؛ روشنی می دهند هر چند که خود خاموش شوند؛ نعمت می زایند هر چند که خود نعمت گیرند؛ شیرینی می آورند هر چند که خود تلخکام گردند و قس علیین. این است که فعالان پاکدل عرصه های علم و فن و امثال اینها قابل تحسین و ستایش و دیگران بدانها مذبونند؛ لذا مقام و آثار گرانقدر این گروه ما را بر آن داشت به فراهم کردن این مختصر بر آئیم و زحمات و سخت کوشیهای آنها را در قالب داستانها و در لایه های نوشته ها نمود دهیم و به راهنمایی و تحریک خوانندگان و طالبان علم و فن و دیگر فضایل بویژه به دانش آموزان و دانشجویان و نسل جوان کمک نماییم. در این کتاب سراسر سخن از دانش و فن و نوشتن و راههای کسب آنهاست. این نوشته نشان می دهد که

هیچ دانش مندرجی و قلمزنی و هنرورزی و فناوری و فناوری راحت به مقصود نمی رسد و به آسانی برتری نمی یابد و هرگز دستیابی بدین فضایل و برتریاها اتفاقی و تصادفی صورت نمی گیرد. این معارف و مدارج و موارد، هزینه های سنگین دارد که خواستاران آنها باید پردازند و آنچه در این نوشته ها آمده است راههای پرداخت آن هزینه هاست. در این اوراق سعی شده است که از تطویل کلام و از تحلیل و تفسیر داستانها پرهیز شود تا میزان و نحوه بهره مندی از فحو و محتوای داستانها بر عهده فراگیران خوانندگان گذاشته شود. چون هر داستانی حاوی و حامل پیام آموزنده و پرورشی است که بی شک مخاطبان به خوبی آن را درسی یابند و - ر جان و روح خود می توانند چراغ راه زندگی خود قرار می دهند. آنچه مطلوب و مقصود ماست در این آموزه بردگیری خوانندگان از آن داستانهاست، نه ظاهر کلام و صحت و سقم آنها. وقتی داستان را در دانشمندی و یا نویسنده ای و جان کنیهایی مخترع و مکتشفی دیگر می خواند، باید در این محاضرات متوجه می شود که اگر عوامل مختلف دست در دست هم بدهند، افتخارها و مراتب به دست نمی آیند و هرکس هم بخواهد مانند این مشاهیر و مفکران به نام و آوازه رسد و صاحب برکات و خیرات و آثار ارجمند قلمی، هنری، علمی، ملی و غیره شود، دنیای انسانها را دگرگون کند و روشنی دهد و آسایش آورد و پریشانی بردارد باید به جای پای آنها گذارد و همچون آنها پیوسته در برج اندیشه، کوشش بردباری، اراده هدفمندی، خودباری، امید، نیت اندیشی، کاوش، تمرین، کار، آموزش، سخت کوشی، رنج پذیری، همت و نظایر اینها بدرخشد و در معدن خواستن و بافتن و رسد و صرف بردارد چرا که هزینه این معادن و گنجینه ها و برتریاها آراسته شدن بدین صفات و عمل بدین عوامل است و این نه فقط برای نوابغ بلکه برای همه انسانهای معمولی قابل تحقق و ندادگی و انجام است. بنابراین برای سربندی و پیشرفت کشور و ملت و حیات عرصه دانه مسلمانان و جهانیان باید با علاقه مندی حیرت انگیز و شیفتگی اعجاب آمیز به سوی

علم و فن و خواندن و آموختن و دانستن و ساختن و بافتن و خلق و اختراع و اکتشاف و نوآوری خدایی و مانند اینها شتافت و از پر تلاشان و پر آوازه های دیروز و امروز و دور و نزدیک درس گرفت و با همه توان به تبلور و تالاف غنمه جنبه گروید چرا که هوگو بی علم و فن و بی نوشتن و گفتن و بی خواندن و هنر و زبید و بدون بیکر مظاهر کامیابی درخت سروری نمی روید و قد نمی کشد و شکوفه نمی دهد و به بار نمی نشیند و بستر کسب ثروت و قدرت جهانی فراهم نمی آید و توسعه شایسته نمود نمی یابد. الگوهای سرآمد جهان و جهانیان شدن ممکن نمی شود و اختراعات بابت دست آمدن آید و از خطرهای و آسیبها و غارتها ی ستم محوران مصونیت محقق نمی شود و راهی از شکستها و انحطاط، عملی نمی گردد و شکوهمندی و اقتدار اسرار مخفی نیست شاید و پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هوغو با بی بند و باری و هوسمداری و هرزگی، کارگریزی، تن پروری، خود آرایی، مدخواهی، پرهنگی، کفل سازی، گردن نمی، تجاوز پیشگی، حرمت شکنی، تن فروشی، میخوارگی، قماربازی، جهل محو، اعتنا، الحاد، اخلاق ستیزی، حرام ستایی، خداشناسی، گمراهی، شیطان گرایی، دزدکی و اعمال و افکار اهریمنی دیگر گلشن سعادت طراوت نمی یابد و پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هوغو با زرجویی و ثروت طلبی از هر راهی و به هر وسیله ای مقدم کردن آن به هر چیز و هر فضیلتی خرمن سیادت جمع نمی گردد و با حب دنیا و دغدغه های ناتمام و بی لگام تجمل و تکاثر و اشرافیت و مانسینهای لوکس و ویلاهای لوس و ریاضها و داراییها و زرق و برقهای قارونی و ترک عقبای حیات پایدار و طیه تجلی نمی یابد و سرندگی زمینی و زمینیان و بلایای آسمانی و آسمانیان رخت بر نمی بندند و طعم لذت و عشق چشیده و عزت ملکوتی و پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هوگو با نخبه کشیها و فراری دادن و زمینگیر کردن متخصصان، کاردانان و نشناختن قدر دانشمندان، دانایان، محققان و متفکران دلسوز و خدمتگزار و کنار زدن مجربان، مخلصان، شجاعان، یکرنگان، آزمونداها، آبدیده ها، کارکشته ها و مهارتدارها و به روی کار آوردن ضعیفان، کارنابلدان، بی تجربه ها، بحران ندیده ها و سردی و گرمی نهچشیده های چند رنگ و متملق و ریا کار و منفعت جو و یا اجانب محوران بد باطن و کشور سوزان بی مغز و بی غیرت پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هوگو با عدم کردن رذایل بر فضایل و مرسوم کردن سنتهای خلاف دین و اخلاق، قانون گریزی، قانون ستیزی و زیر پا گذاشتن حقوق و مقررات مختلف دینی و ملی و کشوری و لشکری ترقی به دست نمی آید و پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هوگو با نظم بی برنامه گی، هرج و مرج، خودبینی، هوچیگری، موج سواری، شایعه سازی، شایعه پراوری، تقلب، فریب، کلاهبرداری، دزدی، تبعیض، رشوه، پارتی بازی، حرف شنوی، دروغ بافی، زورگویی، خشونت، آشوب طلبی، بحران زایی، ناامنی گستری و نظایر اینها، با زدن بهروزی و نیک فرجامی به دست نمی آید و پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هوگو با مدیریت غیر علمی، غیر ملقی و قانون شکن و با برنامه ها و برنامه ریزیهای لجوجانه و غیر کارشناسانه، نادیده گرفتن سطرها و پیشیادها و برنامه های صاحب نظران و سابقه داران، موفقیت به بار نمی آید و پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هوگو با بستن زبانهای متعهد، آگاه، کشور دوست، بیدار و نظر داران با وجدان و با انصاف و گسستن رشته های ادب و نزاکت و با آبرو ریزی و اتمام زدن به این و آن و تنگ نظری، انحصارگرایی، استبدادورزی، بیدادگری و تک صدایی بسته و تحمل نکردن منتقدان و مخالفان، کامیابی و اقتدار تحقق نمی یابد و پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هنگامی که با پراکندگیها، حذف نامعقول همدیگر، بی ارزش کردن ارزشها و ارزشمنداها، فضیلتها و فاضلان و برازندگیها و برازنده ها و منزوی و محبوس کردن باورها و اندیشه های سازنده و اندیشه داران ارزنده، قد علم نمی گردد و پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هنگامی که با شنیدن انتقادات، اعتراضها و پیشنهادها و مسخره کردن برنامه ها و برنامه ریزان سودمند گذشته و کنونیان، دیگران و توسعه یافتگان و جلو افتادگان و غنودن در بستر بی خیالی و دل خوش کردن به منصب و تعریف و تمجیدهای مزورانه و ابلهانه و نیامیختن با دانشمدان و فرزندان و گریختن از محافل و مجالس سؤالداران و اهل نظر و اندیشه پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هنگامی که با کتمان حقایق و پوشاندن و تحریف کردن و نادیده گرفتن واقعیتهای و اتفاقات و اهمیت ندادن به رأی و خواسته های بحیثی مردم و بی توجهی به نیازهای تاثیر گذاران و هادیان جامعه عزت و سروری به حاکمان می آید و پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هنگامی که با گریز از دانش و پژوهش و آموزش و پرورش و بازر رونق انداختن بازار دانش و دانش گستری و دانش محوری و بر هم چیدن بساط شک و قلم و نوشتن و سخن سازی و سخنوری و اندیشه پروری و قهر کردن با کتاب و کتابخوان و نخواندن و نیاموختن و ننوشتن و روی گردانیدن از اندیشیدن، ابتکار و خلاقیت و پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هنگامی که با پرهیز نکردن از مصارف نادرست و با حیف و میل کردن بیت المال و اموال عمومی و خصوصی کشور و مردم، هدر دادن مواهب و نعمات خدادادی، مناسک و ذخایر طبیعی، زیرزمینی و روی زمینی و سوزاندن نادرست انرژیها و داشته های

هرگز یا سر و سکه تا کردن پولسازیهایی مکن آلود و مریکازانه و ویران کردن بناهای بلند معنویتها را سازد و آرزویش یافتن مجفیان و درود بیجیهای بی مغز و پرجبیهای بی ریشه و بی اندیشه و جلد زدن از شیطان برای مکاری و کلاهبرداری و انباشت ثروتهای حرام و غرق شدن در لذت برای تجمل و گنجینههای متعفن و فراموش کردن خدا و خدامداریها و پیمان کردن حقها و جولان دادن به باطلها و حرامها و توجیه حرام خواریها، حرام کاریها، حرام روشها، حرام سازیها و حرام بازیها پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هنگو با بازیها و سرگرمیها و ونگردیها و عیند مسای فساد بار و هنر دادن فرصتهای جوانی در لانه های عشرت گردایی و خوشگوارانی اعتیاد و میراندن اندیشه در زیر لگدهای تنگی ابلهیها و هرزه گریهای بگون بختی و پژمردن ممتازهای جیباها ، حرمتها و عفتها و با تن نماییهای سیه مایه و پشت مردن به حقانیت و ارزشهای آسمانی و انسانی پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هوگو يا خود کم بينيها، نا اميديها، بي اعتماديهها، خطر نپذيريها، بي راضيها، سكونتها، ترسوييها، راحت طلبيهها، پر خوريها، پر خواييهها، بي عرضگيهها، غفلت ورزيها، خيانت گر يها، خيانت پذيريها، حرمت شکنيهها، بد باوريها، بي آبروييهها، بي سواليهها، بي

باسخیا، خماریها، بی مسئولیتها، مغز خر خوریها، پریشانیها، افسردگیها، خودخوریها، اختلافها، کج فهمیها، خرافه پرستیها، شکم گندگیها، کینه ها، غرورها، وحشیگریها، بی فکریها، بیگانه دوستیها، خود دشمنیها، کشور ستیزیها، مردم فروشیها، دوست ازاریها، دشمن کشیها، نوکرماآبیها، تفرقه زاییها، نژاد پرستیها، تجزیه طلبیها، تبهکاریها و هزاران صفت حاصل ابلیسی نظیر اینها پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هنگامی که با عناد و رزیم دشمنی با آرمانها و باورهای دینی و ملی و مخالفت با ارزشها و ریشه ها و مبانی انقلاب مردمی مردم و پشت کردن به هدایتها و پندهای زلال پاکدلان و خدایتان و مهر ورزیدن به غبار غارت پیشه و خصمان دیرینه کشور و ملت و عموها شدن با بانگهای ویرانگر اجانب و مزدوری و جاسوسی کردن بدانها و ترغیب و تشجیع آنها برای ستم و سیاست مبتذات سست و متزلزل کردن پایه های حکومت دینی و ملی و مشروع مردم و سنگ اندازی در برابر خدمات و برنامه های سازنده کشور و میدان دادن به گروهها و اندیشه های بی ریشه ناسالم و دشمنگرا و خود باختن و دل بستن به سرباهای فریبده دنیا و نظر انداختن بر اینها پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هنگامی که با رها کردن حاکمان و زمامداران به حال خود و اکتفا به انجام اعمال، کفایت و برنامه های آنها و تحت نظر قراردادن پیوسته آنها برای کار بیشتر و پوری از غفلت و غرور و تن آسایی، خویشاوند سالاری، لذتگرایی، خیانت و چپاول بیت المال و امارت ندادن به نالایقان و یا با دست کشیدن از سیاست و فعالیتها و گرسنه شدن سیاسی و چشم پوشیدن از وظایف ملی برای مدیریت شایسته کشور و بی خبر شدن به اتفاقات و حوادث گوناگون کشوری و جهانی و ندیدن ضعفها و خطاها و نادیده گرفتن قوتها و خدماتها و استیضاح و محاکمه دایمی نکردن دست اندرکاران ریز و درشت کشور و پاسخگو نبودن مسئولان و متولیان حکومت در برابر اعمال و

برنامه ها، عقب افتادگیها، مشکلات، ناهمواریها، خطاکاریها، خطازاییها، ایرادهای رنگارنگ مدیریتی، اجرایی، قضایی، قانونی، علمی و فکری سازمانها و دستگاهها و ادارات مختلف کشور و توجیه و کتمان بی کفایتیها و نابسامانیها و نظایر اینها پیشرفت راستین حاصل نمی شود.

هرگز...

پس پیشرفت راستین، دولت و مدیریت لایق، پامخگو، کاردان، دانشمند، خردمند، متعهد، متعصب، معجز، خداترس، کوشا، صادق، نترس، خادم، مردمدار، قانونمند، نفوذپذیر و تشخیص دهنده درست زمان و مکان و مصادیق حکمت و مصلحت و سرعت و مثال اینها می خواهد.

پیشرفت راستین دانش و دانشمند پروری، مهارت، عرق ریزی، جان کنی، تخصص و متخصص محوری، تلاش پیوسته، عالمانه، متفکرانه، آگاهانه، دردمندانه و دلسوزانه، اختراع کردن و نوآوری، کشف کردن و مکتشف ستایی، خواندن، آموختن، اندیشیدن، یافتن، ساختن، خلاقیت، مدیون دانستن خود به کشور و مردم، احساس مسئولیت همیشگی، نهضت و حرکت و سیاست ملی و عمومی، ارزش دادن به قلمها، اندیشه ها، دانیایان، سازندگان، حرفان، استکبار، نخبگان، صاحب نظران، سابقه داران، قربانیان، سخنرانان و مانند اینها می خواهد.

پیشرفت راستین، ملت دانا، فهیم، عاقل، بینا، شنوا، زود، متحرک، دانش اندوز، رسالت شناس، شهامتدار، درد دان، پرسشگر، منتقد، معترض، حشوه، کاردان، جستجوگر، پرکار، زنده، با انرژی، شاد، امیدوار، آینده خواه، ترقیخواه، قدردان، بیادیت طلب، بصیر، با نظم، با برنامه، با همت، با انگیزه، قانونمدار، مقررات پذیر، آرد، مسئول، ستم گریز، همفکر، همگام، همصدا، مقاوم، وطن دوست، وقت نکش، زمان شناس، بیدار، دلسوز، درس آموز، پیشرونده، سختکوش، خودباور، فداکار، دیندار، رزمنده و نظایر اینها می خواهد و ...

این کتاب از دو فصل تشکیل شده که در فصل نخست از فريضه دانش سخن رفته و فصل دوم به داستانها و رنجهای علمی و تحقیقی مشاهیر ایران و جهان و دیگر مطالب اختصاص یافته است که امیدواریم دستگیر و راهنمای خوانندگان گرامی بویژه دانش آموختگان و دانشجویان شود و داستانها و مطالبی که از دانشمندان و مخترعان و نویسندگان و امثال اینها فراهم آمده به دردشان بخورد و مطمح نظر و سرچ بصرشان قرار گیرد.

در پایان از همه دوستان که در طبع و نشر این مظهر ما را یاری کرده اند بویژه از خانم حوریه پوررضا که در دست نایب و تنظیم این مختصر را به جان خریده اند تشکر می کنیم و به ارشاد اعتراض نکته دانان گرامیابه نیازمندیم.

و ————— من الله التوفیق

محمد باقر بهادری ۱۳۸۶